

Ranking and analysis of the development of the counties of East Azerbaijan Province with an integrated approach

Jafar Ebrahimi

Assistant Professor of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran (Corresponding Author). E- mail: ebrahimi_aukh@yahoo.com

One of the main pillars of development is to pay attention to equality and justice in the distribution of resources among different parts of the society, therefore, centralization and improper distribution of facilities and services in different regions of Iran has always been considered as one of the hinders of development that needs scientific investigation. In this research, the main goal was to study the degree of development of the cities of East Azerbaijan province. To achieve this goal, 31 indicators of development were assessed in three categories: socio-cultural, health, and economic and infrastructure in 20 cities. The methodology of this study is to classify the provinces based on numerical mal taxonomy and cluster analysis and also, the method of collection is documentary information. The results of this study showed that, the cities of Tabriz, Marand and Maragheh are in high ranking of development, respectively, and the cities of Khodafarin and Charaymahq are in the last positions. The results of the research show that, the development rate in the western part of the province was higher than the eastern regions. The results of the data foundation theory showed that, factors such as lack of development motivation, lack of trust, government intervention, redundant bureaucracy, corruption, lack of transparency, lack of support from international institutions, lack of observation, government conflict and sovereignty are institutional barriers of development in cities of East Azerbaijan province.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHOR, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Development, Numerical Taxonomy, Foundation Theory.*

رتبه‌بندی و تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با رویکرد تلفیقی

جعفر ابراهیمی^۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۶

چکیده

یکی از ارکان اصلی توسعه توجه به برابری و عدالت در توزیع منابع بین بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد لذا تمرکزگرایی و توزیع نامناسب امکانات و خدمات در مناطق مختلف کشور ایران همواره به عنوان یکی از آفات توسعه مطرح بوده است که نیاز به بررسی علمی دارد. در پژوهش حاضر هدف اصلی بررسی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی بود که برای دستیابی به این هدف ۳۱ شاخص توسعه در سه دسته شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، بهداشت و سلامت و اقتصادی و زیربنایی در ۲۰ شهرستان مورد بررسی قرار گرفتند. روش پژوهش در مطالعه حاضر طبقه‌بندی استان بر اساس مدل تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای و برای فهم امر (توسعه‌یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی) استان با مراجعه به نخبگان محلی (مدیران عالی‌رتبه برنامه و بوجه و استاندار آذربایجان شرقی، اساتید دانشگاه تبریز) با روش گراندتئوری به گردآوری اطلاعات در زمینه کم و کیف توسعه استان پرداخته و بعد از سه شیوه‌گذاری مدل توسعه‌ای استان را ترسیم کردیم. نتایج پژوهش در تاکسونومی عددی نشان داد شهرستان‌های تبریز، مرند و مراغه به ترتیب در رتبه‌های بالای توسعه‌یافتگی قرار دارند و شهرستان‌های خدافین و چاراویماق در رتبه‌های آخر قرار دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان توسعه‌یافتگی در قسمت غربی استان نسبت به نواحی شرقی بیشتر بوده است. نتایج روش نظریه داده بنیاد نشان داد عواملی از قبیل فقدان انگیزه توسعه، فقدان اعتماد، دخالت‌گری دولت، بوروکراسی زاید، فساد اداری، عدم شفافیت، عدم حمایت نهادهای بین‌المللی، فقدان نظارت، تعارض دولت و حاکمیت از جمله عوامل نهادی توسعه در شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. واژگان کلیدی: توسعه، تاکسونومی عددی، نظریه داده بنیاد.

مقدمه و کلیات

توسعه و توسعه نیافتگی امروزه یکی از مباحث روز اجتماعات علمی و سیاست‌گذاری است که معیارها و عوامل مختلفی می‌تواند توسعه یک جامعه یا منطقه را تحت تاثیر خود قرار دهد. در ادبیات توسعه هدف اصلی توسعه ایجاد برابری پایدار و عدالت اجتماعی در کنار رشد اقتصادی دانسته شده است (۱۳: ۱۷). بنابراین بهترین مفهوم توسعه رشد اقتصادی توسعه توام با عدالت اجتماعی است و وجود نابرابری و ابعاد آن از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است. این در حالی است که در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فراگیر و رو به گسترش قابل مشاهده است. در کشورهای در حال توسعه، کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های منطقه‌ای عظیمی است که در بسیاری موارد، به سرعت در حال افزایش است. عدم تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب، از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و ایران است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. همان‌طور که روند توسعه‌یافتگی در استان‌های مختلف یک کشور دارای مراتب گوناگونی است، در داخل یک استان نیز روند توسعه‌یافتگی در بین شهرستان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. زیرا توسعه‌یافتگی شهرستان‌های یک استان با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مناطق، بعضاً ممکن است دارای روندی متناسب نباشد.

از این جهت میزان برخورداری یا دسترسی به امکانات و خدمات رفاه اجتماعی و توزیع بهینه آن‌ها در سطح کشورها و شهرستان‌ها از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. در ایران نیز هم چون اکثر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقتصادی و اجتماعی آن یک یا دو منطقه و یا نهایتاً چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی - اجتماعی بوده که به قیمت عقب‌نگه داشتن مناطق دیگر بوده است. در این راستا سنجش و مقایسه سطح توسعه‌یافتگی؛ داخل یک منطقه و بین کشورهای مختلف، داخل یک کشور و بین استان‌های مختلف و یا داخل یک استان و بین شهرستان‌های مختلف، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و رفاه منطقه‌ای و استانی، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه‌ای می‌باشد. این امر می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای تحت تاثیر قرار دهد.

به رغم این که از دیر باز دستیابی به هدف مهم و متعالی توسعه یافتگی مورد توجه غالب کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته قرار گرفته، ولی به جز تعداد خیلی از آن‌ها، که با گام‌های بلند توانسته‌اند جهش‌هایی در تحقق آن داشته باشند، بقیه کشورها هم چنان در زمره کشورهای ناموفق در دستیابی به این هدف مهم دست‌بندی می‌شوند. مرور نظریه‌های مختلف در مورد علل توسعه نیافتگی ایران نشان

می‌دهد که عواملی از قبیل عوامل طبیعی و اقلیمی، عوامل خارجی، رفتار مدیریتی دولت و نیز خلیقات و رفتار مردم در توسعه‌نیافتگی ایران نقش به‌سزایی داشته‌اند (۱۱). از این منظر عدم موفقیت به دلایل متعددی از جمله نبود یا کمبود سرمایه، ناکافی بودن منابع انسانی و ضعف شدید در مدیریت تجهیز و تخصیص منابع (اعم از منابع انسانی و مالی)، عدم بهره‌برداری مناسب از منابع کمیاب و محدود موجود و پائین بودن سطح کیفیت نهادی بر می‌گردد. زیرا برای دستیابی به توسعه باید علاوه بر تامین و تجهیز سرمایه و تخصیص آن در جریان رشد و توسعه، محیط نرم‌افزاری و مغزافزاری و کیفیت نهادی از قبیل حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوئی، شفافیت، کنترل فساد، ضرورت تام و تمام دارد (۴).

تمرکز شدید جمعیت و امکانات در یک یا چند نقطه جغرافیایی از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم است و در این کشورها رشد شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای میانی با ارتباط ضعیف با جوامع پایین‌تر از خود به صورت فضاهای پیرامونی، حاشیه‌ای و وابسته درآمده‌اند (۷: ۲۳۱). در یک دید کلی سازمان فضایی کشور با وجود عدم تعادل‌ها در سطح سرزمین روبرو می‌باشد. فضاهای ملی فاقد پیوندهای مناسب و کافی در راستای وحدت و یکپارچگی است و این عدم تعادل‌ها در توسعه استان‌های کشور که عمدتاً تحت تاثیر نظام شهری ناکارآمد (۷: ۲۳۱)، و تسلط تک شهرهای ناحیه‌ای می‌باشند (۱۲)، امری ملموس و در عین حال یک مسأله و چالش عمیق برای روند توسعه کشور و به تبع آن استان‌های کشور می‌باشد. بنابراین رفع موانع توسعه متعادل ناحیه‌ای و منطقه‌ای همواره به عنوان یک مسأله اساسی برای کشورهای جهان سوم مطرح می‌باشد. در ایران نیز با توجه به سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴ کشور، حرکت به سمت داشتن کشوری توسعه یافته در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و ... متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی یک ماموریت بنیادی برای نظام می‌باشد و این مهم بدون در نظر گرفتن سیاست‌های تعادل‌گرایانه در جهت رفع نابرابری‌های نواحی مختلف امری بعید به نظر می‌رسد.

استان آذربایجان شرقی نیز به مرکزیت قطب صنعتی تبریز در صنایع ماشین‌سازی، کشت غلات، پنبه، تولیدات دامی و خدمات بازرگانی، از طرفی به نوعی تقسیم کار مناسب بر اساس قابلیت‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی خود دست یافته است و از طرف دیگر عدم شناخت کامل قابلیت استان منجر به کاهش نقش آن در تقسیم کار ملی شده است. علاوه بر آن در درون استان نیز پیوندها بین مراکز اصلی و کانون‌های توسعه منسجم نبوده و ضعف شبکه‌های ارتباطی و ضعف نظام سلسله‌مراتبی بین آن‌ها باعث ضعف سازمان‌یافتگی درونی فضاهای توسعه‌ای و حاشیه‌ای شدن بخش وسیعی از استان شده است.

ملاحظه شاخص‌های استان آذربایجان شرقی نیز در ابعاد مختلف توسعه نشانگر وضعیتی همانند سطح کل کشور است. بررسی و واکاوی عمیق‌تر این شاخص‌ها حاکی از اینست که هر چند این استان در گذشته موفقیت قابل توجهی در اقتصاد ملی داشته ولی به تدریج نقش پیرامونی به خود گرفته و از کریدور

توسعه به حاشیه رانده شده است. در عین حال غالب بودن کشاورزی دیم و سنتی در سطح استان و به ویژه شکل‌گیری بخش صنعت به طور متمرکز در جوار شهر تبریز و انتشار محدود سرریز آن فقط در حاشیه غربی دریاچه ارومیه موجب توزیع نامتعادل و نامتوازن فعالیت اقتصادی در فضای استان و شکل‌گیری نظامی متمرکز گردیده است. به طوری که ۷۰ درصد جمعیت و فعالیت اقتصادی در ۳۰ درصد پهنه استان استقرار یافته و مناطق شرقی استان دچار فقر بوده و جمعیت آن نیز در حال مهاجرت به مرکز استان و یا مرکز کشور می‌باشد. مقایسه شاخص‌های اقتصادی هم چون درآمد و تولید سرانه و بهره‌وری حاکی از آنست که هر چند در این شاخص‌ها تغییرات مثبتی واقع شده ولی این روند در حدی نبوده که بتواند سهم و جایگاه استان را در بین سایر استان‌ها حفظ کند و لذا علاوه بر مهاجرت سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، جایگاه اقتصادی آن نیز نزول کرده است. از این رو می‌توان با تامل در واقعیت‌های موجود این استان، فرآیند چند دهه‌ای برنامه‌های توسعه در سطح کلان و ملی را حاکی از بیراهه رویه‌های آشکار به شمار آورد (۴).

از آن جایی که نخستین قدم در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، شناسایی وضع موجود آن منطقه است که این شناسایی مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است. شناخت و تجزیه و تحلیل وضع مناطق در زمینه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نخستین گام در فرایند برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است. با این کار تنگناها و محدودیت‌های مناطق مشخص شده و می‌توان برای برطرف کردن آن‌ها اقدام کرد. در این راستا شاخص‌ها و معرفی می‌تواند وضعیت مناطق را در زمینه‌های گوناگون نشان دهد.

هدف از انجام این پژوهش این است که با توجه به توزیع ناهمگون امکانات در سطح شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در قالب سنجش توسعه منطقه‌ای از طریق تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌ها به روش تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای توسعه، تصویربرداری روش‌ها از امکانات و خدمات موجود در شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی ارائه گردد و نیز با انجام مصاحبه‌های عمیق از کارشناسان ارشد و نخبگان محلی نائل به مدلی ترسیمی از توسعه‌یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی به روش گراندد تئوری گردد.

پیشینه تجربی پژوهش

احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل شکاف بین شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در طی مسیر توسعه از سال ۱۳۷۵-۱۳۹۰» از تکنیک تاکسونومی عددی موزون و تحلیل خوشه‌ای جهت سطح‌بندی و از شاخص انحراف معیار برای تحلیل روند توسعه استان آذربایجان شرقی، استفاده کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد متوسط امتیاز تاکسونومی عددی شهرستان‌های استان در این دوره حاکی از آن است که امکانات و فعالیت‌ها متناسب با جمعیت در مناطق مختلف استان توسعه نیافته است. هم‌چنین طی این دوره انحراف معیار امتیازات تاکسونومی عددی از ۰/۱۳۶ به ۰/۸۳ رسیده است که بیانگر کاهش شکاف توسعه و کاهش نابرابری‌ها در بین شهرستان‌ها می‌باشد. آن‌ها این گونه

استدلال می‌کنند که با توجه به کاهش سطح توسعه‌یافتگی در بین شهرستان‌های استان آذربایجان - شرقی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۷۵ از یک سو و هم‌چنین کاهش سطح نابرابری‌ها در استان از سوی دیگر، می‌توان این‌طور استنباط کرد که کاهش نابرابری‌ها بین شهرستان‌ها به بهای کاهش سطح توسعه‌یافتگی در گستره جغرافیای استان حاصل شده است. ادامه این روند حاکی از تشدید بحران محرومیت در فضای توسعه استان برای آینده می‌باشد.

مومنی و ساجد (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی» با استفاده از ۸۱ متغیر به منظور مقایسه میزان برخوردارگی از رفاه عمومی و خدمات ارائه شده در هر شهرستان با استفاده از روش آنالیز تاکسونومی عددی نشان می‌دهند که شهر تبریز در وضعیت توسعه‌یافته، شهرستان‌های مراغه، مرنند، شبستر و میانه در حد نسبتاً توسعه‌یافته و بقیه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، پایین‌تر از حد توسعه و عقب مانده محسوب می‌شوند.

مطالعه رضوانی (۱۳۸۲)، به روش تاکسونومی عددی نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی بین استان - های کشور از نظر درجه توسعه‌یافتگی وجود دارد. شاخص‌هایی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته بودند عبارت بودند از: آموزش، ساختمان، بهداشت و درمان و ارتباطات.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۶)، با استفاده از ۲۸ شاخص در بخش‌های زراعی، باغی، مکانیزاسیون، دامپروری و با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی برای هر کدام از بخش‌ها عوامل و شاخص‌های تلفیقی و با استفاده از روش تاکسونومی و روش تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهند در استان آذربایجان شرقی از مجموع ۱۹ شهرستان در سال ۱۳۸۹ سه شهرستان توسعه‌یافته، ۷ شهرستان نسبتاً توسعه‌یافته، ۵ شهرستان کمتر توسعه‌یافته و ۴ شهرستان توسعه‌نیافته بوده است. رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر اساس شاخص‌های بخش زراعی نیز نشان داد که شهرستان ملکان بالاترین و شهرستان چاراویماق پایین‌ترین درصد توسعه - یافتگی بخش کشاورزی را داشته است.

پورمحمدی و زالی (۱۳۸۸)، به بررسی نابرابری‌های موجود در شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از نظر برخوردارگی از خدمات مختلف اجتماعی - اقتصادی و زیربنایی می‌پردازند. در این بررسی ۴۴ شاخص به عنوان شاخص‌های مقایسه‌ای شهرستان‌های استان در ۴ بخش کلی، زیربنایی، تولیدی و اجتماعی انتخاب و با استفاده از تکنیک‌های تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان، بر اساس آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۵ پرداخته شد و در پایان با شناسایی شهرستان‌های محروم، اولویت توسعه و سرمایه‌گذاری جهت تحقق عدالت اجتماعی ارایه شده است. بر اساس نتایج کلی این تحقیق، نیمه غربی استان تقریباً نیمه برخوردار و نیمه شرقی استان نیمه محروم یا غیر برخوردار است.

رول و تالبوت^۱ (۲۰۰۳)، با بررسی متغیرهای تاثیرگذار نهادی در توسعه و در نهایت با وارد کردن ۱۴ متغیر نهادی به معادله رگرسیونی و حذف متغیرهایی که ارتباط معناداری به لحاظ آماری نشان نمی‌دادند به ۹ متغیر معنی‌دار در تبیین سطوح متفاوت درآمد سرانه ملی از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ رسیدند که این ۹ متغیر عبارت بودند از: حقوق مالکیت، فعالیت بازار سیاه (به عنوان فرار از قواعد) و آیین‌نامه‌ها ارتباط بسیار قوی با درآمد سرانه داشته‌اند. متغیر اول رابطه مثبت و دو متغیر دوم ارتباط منفی داشته‌اند. همچنین متغیرهای حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، و آزادی انتشارات از جمله متغیرهایی هستند که همبستگی مثبت بالایی با متغیر درآمد سرانه ملی داشته‌اند. در مطالعه آن‌ها ارتباط ضعیف اما معنی‌داری بین هزینه‌های دولت (مثبت) و تورم و موانع تجارت (منفی) نیز دیده شدند.

مطالعه رول و تالبوت همچنین بیانگر یک معماری دیگر است: بسیاری از این متغیرها نهاد محسوب نمی‌شوند. برای مثال حقوق مالکیت ایمن پیامد و نتیجه وجود برخی از نهادهای دیگر از قبیل هنجارهای قرارداد، فرایض دینی، سنت‌های تاریخی، قوانین و دادگستری‌ها، و قوانینی که مانع از دست‌اندازی‌های دولتی می‌شوند، می‌باشند (۵). متغیرهای دیگر بیانگر شرایط اقتصادی-اجتماعی، چند پارگی‌های قومی یا نتیجه سیاست‌های اقتصادی هستند از قبیل تورم، موانع تجارت و بازار سیاه. این شرایط و سیاست‌ها اغلب به جای نهادها گذاشته می‌شوند. به عنوان مثال موانع تجارت سیاست‌های دولتی ضعیفی گذاشته می‌شود که احتمالاً از ضعف نهادهای جلوگیری کننده از فساد ناشی می‌شوند (۱۰).

رودریک^۲ (۲۰۰۰)، عنوان می‌کند نظر به این که اندیشمندان نمی‌توانند مشخص سازند کدام یک از نهادها دارای اهمیت هستند، دموکراسی موثرترین روش برای بسیج دانش بومی در مورد نحوه توسعه بهتر نهادها است. در بسیاری از تحقیقات گذشته تنها ارتباط مبهمی بین دموکراسی و رشد اقتصادی به دست آمده است. این ابهام احتمالاً از این مسأله ناشی می‌شود که دموکراسی ممکن است اشکال مختلفی به خود بگیرد؛ کارکرد دموکراسی بستگی به این دارد که آن دموکراسی از نوع پارلمانی باشد یا جمهوری، دارای سیستم تک مجلسی باشد یا دو مجلسی، دارای نمایندگی تناسبی باشد یا این که برنده انتخابات همه چیز را در اختیار بگیرد، یا دارای محدوده زمانی بلند مدت یا کوتاه مدت برای رئیس جمهور و نمایندگان مجلس باشد. این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که بخواهیم کشورها را با یکدیگر مقایسه کنیم. همچنین سنجش ما زمانی دچار پیچیدگی مضاعفی خواهد شد که قوانین تصویب شده در عمل مورد استفاده قرار نگیرند، چیزی که در کشورهای در حال توسعه به وفور مشاهده می‌گردد.

¹ Roll & Talbott

² Rodrik

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی با روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد که پس از جمع‌آوری آمار با استفاده از روش تاکسونومی عددی به تجزیه و تحلیل آن پرداخته است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از اسناد و داده‌های موجودی که توسط سازمان‌های مرتبط از قبیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و مرکز آمار ایران تولید شده‌اند گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق، تمامی شهرستان‌های تابع استان آذربایجان شرقی است. شاخص‌های مورد بررسی، دارای چهار امر زیربنایی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی و درمانی می‌باشند که مشتمل بر ۳۱ شاخص و با تکیه بر ابعاد انسانی و هم‌چنین بخش خدماتی انجام گرفته است. در پژوهش حاضر جهت تحلیل اطلاعات از تکنیک تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است.

هم‌چنین با استفاده از رویکرد نظریه بنیادی سعی شده است مدلی نظری بر اساس داده‌های زمینه‌ای گردآوری شده از کارشناسان تدوین گردد که در این مدل ارتباطات ساختاری متغیرهای مرتبط با توسعه-یافتگی و یا توسعه‌نیافتگی نشان داده شود. رویکرد غالب در این مرحله نظریه بنیادی بوده و منبع گردآوری اطلاعات مصاحبه با کارشناسان خبره می‌باشد. روش اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه، مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند فردی بود که از طریق نمونه‌برداری گلوله‌برفی، نمونه‌ها از مطلعین توسعه استان انتخاب شدند. تمامی مصاحبه‌ها در چندین جلسه متعدد با ساعات طولانی از هر یک از مشارکت‌کنندگان که به طور میانگین ۳ ساعت برای هر جلسه و در مجموع با حدود سی ساعت صرف زمان مصاحبه‌ها ضبط و یادداشت‌برداری شد. در کل، ۱۲ مصاحبه در بین مدیران و کارشناسان ارشد استانداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی و اساتید دانشگاه تبریز انجام و مورد تحلیل دقیق قرار گرفت. بدین طریق اشباع نظری حاصل گردید.

هم‌چنین در سه فرآیند کدگذاری داده‌ها (باز، محوری و انتخابی) و ارتباط مفهومی متغیرها در کدگذاری محوری از طریق (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای) پدیده اجتماعی حاصل آید و در نهایت با ارتباط منطقی- انتخابی (قضایا) مفاهیم به تدوین نظری نایل آئیم. هر چند همیشه نتایج حاصل از کدگذاری، تحلیل‌ها و مفهوم‌سازی‌های نظریه بنیادی و نهایتاً نظریه-پردازی در این زمینه معتبر نیست؛ اما با توجه به اطمینان حاصل کردن از اشباع شدن داده‌ها، به یقین رسیدیم که داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش از پایه‌های تجربی قوی‌ای برخوردار هستند. بنابراین روایی تحقیق با ارجاع یافته‌ها به داده‌ها تأمین گردید. ارجاع یافته به داده مبین ارتباط منطقی مقولات به دست آمده با مبانی مربوطه و مؤید زمینه داشتن نظریه در بنیاد مربوطه می‌باشد(۳). پایایی تحقیق هم با ارجاع نتیجه نهایی آن به چهار تن از متخصصین مشارکت‌کننده در آزمون و دو نفر از جامعه‌شناسان خارج از تحقیق تأمین گردید.

یافته‌های پژوهش

اولین گام در تکنیک تاکسونومی عددی تشکیل ماتریس $n*m$ می‌باشد که جدول زیر این ماتریس را نشان می‌دهد. در این ماتریس هر کدام از سطرها نشان دهنده نام شهرستان‌های مورد مطالعه استان می‌باشد که در پژوهش حاضر تمامی ۲۰ شهرستان استان آذربایجان شرقی مدنظر قرار گرفته است. هر کدام از ستون‌ها یکی از شاخص‌های پژوهش حاضر را نشان می‌دهد که ۳۱ شاخص مندرج در جدول را شامل می‌شود.

جدول شماره (۱): ماتریس $n*m$

	X15	X14	X13	X12	X11	X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1	
آذرشهر	۳/۶۵	۱۴/۰۱	۱/۰۳	۲۲/۴۸	۸۱	۷۷/۳۶	۸۲/۸۸	۱	۲۲	۱۸۲	۹	۸۲	۳/۳۸	۶/۵۴	۶۰/۱۲	
اسکو	۳/۴۹	۱۸/۰۹	۱/۱۲	۲۳/۱۵	۱۰۴	۸۲/۲۰	۸۶/۶۱	۰	۸	۱۵۸	۸	۶۸/۰۸	۳/۲۹	۶/۸۲	۵۷/۵۰	
اهر	۴/۰۵	۱۲/۶۳	۱/۱۴	۱۷/۴۸	۲۹۸	۶۶/۲۲	۷۳/۷۴	۲	۱۸	۳۴۰	۵	۳۸/۶۲	۳/۷۸	۹/۳۰	۶۴/۶۵	
بستان‌آباد	۴/۳۲	۱۵/۳۴	۱/۳۲	۱۸/۳۳	۱۷۲	۶۹/۴۵	۷۵/۸۳	۱	۵۳	۳۲۲	۴	۴۰/۷۸	۳/۷۲	۴/۷۷	۲۱/۶۹	
بناب	۳/۸۰	۱۴/۲۵	۱/۰۱	۲۳/۹۵	۸۰	۷۴/۹۹	۸۰/۳۱	۱	۱۵	۱۷۹	۳	۴۶/۶۰	۳/۴۷	۶/۵۹	۶۱/۵۵	
تبریز	۳/۴۲	۱۷/۳۵	۱/۰۵	۲۵/۸۶	۶۹۶	۸۱/۵۴	۸۶/۰۳	۱۱	۴۷	۷۷۰	۴۸	۶۹/۵۵	۳/۳۰	۱۲/۷۳	۹۱/۱۷	
جلفا	۳/۴۷	۱۱/۲۵	۱/۱۲	۲۱/۱۰	۵۳	۷۷/۷۹	۸۴/۱۱	۲	۴۳	۱۱۱	۴	۷۹/۳۴	۳/۴۲	۱۱/۰۲	۶۸/۴۴	
چاراویماق	۴/۷۰	۱۱/۴۵	۱/۷۰	۱۴/۳۰	۱۷۲	۶۲/۷۵	۷۰/۹۲	۱	۶	۶۰	۳	۰	۳/۹۹	۸/۷۸	۱۷/۳۶	
خداآفرین	۳/۸۶	۸/۰۳	۱/۵۴	۱۰/۹۱	۶۶	۵۷/۷۴	۶۶/۶۶	۰	۱	۹۳	۲	۰	۳/۸۰	۴/۳۶	۴/۷۴	
سراب	۴/۰۲	۱۳/۷۹	۱/۱۴	۱۷/۶۵	۲۰۸	۷۲/۹۰	۷۹/۳۶	۱	۴۱	۲۹۱	۹	۳۲/۵۴	۳/۵۶	۵/۴۹	۴۵/۰۹	
شبستر	۳/۴۵	۱۴/۱۰	۱/۰۷	۱۸/۹۵	۱۱۷	۷۳/۸۲	۷۹/۷۶	۱	۳۳	۲۶۸	۱۶	۷۳/۵۹	۳/۳۳	۴/۷۲	۴۸/۵۱	
عجب‌شیر	۴	۱۴/۴۴	۱/۱۲	۲۰/۱۹	۶۵	۷۲/۸۶	۸۰	۱	۳۸	۱۳۶	۳	۲۹/۵۶	۳/۶۹	۵/۴۴	۳۹/۳۷	
کلبر	۳/۹۲	۸/۷۴	۱/۲۱	۱۳/۳۱	۱۲۷	۵۹/۴۹	۶۸/۷۰	۱	۲۷	۲۹۷	۵	۴۰/۳۴	۳/۸۲	۴/۸۶	۲۴/۹۹	
مرآغه	۳/۹۲	۱۵/۶۰	۱/۱۲	۲۱/۸۷	۲۴۷	۷۶/۶۶	۸۱/۶۶	۱	۷۸	۳۷۵	۵	۳۱/۴۳	۳/۵۱	۹/۴۵	۶۶/۱۶	
مرند	۳/۷۱	۱۲/۱۸	۱/۱۰	۲۲/۴۴	۱۸۰	۷۴/۸۶	۸۰/۲۸	۲	۱۳۹	۳۹۵	۱۵	۴۳/۵۹	۳/۴۴	۹/۵۴	۶۲/۲۴	
ملکان	۴/۲۱	۱۳/۹۶	۱/۱۹	۱۹/۴۸	۱۲۰	۷۱/۶۲	۷۸/۴۹	۱	۵۱	۲۰۴	۴	۲۰/۵۷	۳/۵۷	۵/۶۵	۲۹/۷۷	
میانه	۳/۶۸	۱۲/۹۲	۱/۱۲	۱۸/۹۶	۲۸۶	۷۳/۵۲	۷۸/۶۱	۲	۱۸	۱۶۴	۸	۳۹/۰۵	۳/۵۳	۱۳/۴۸	۵۷/۴۵	
ورزقان	۴/۰۵	۱۰/۳۴	۱/۲۷	۱۳/۵۹	۱۳۶	۶۰/۶۷	۶۹/۳۸	۱	۴۱	۱۷۷	۳	۱۹/۰۶	۳/۷۳	۸/۳۵	۱۴/۷۹	
هریس	۴/۲۲	۱۲/۲۱	۱/۱۵	۱۸/۸۲	۱۰۸	۶۶/۱۳	۷۳/۷۴	۰	۱۴	۱۴۸	۶	۲۳/۶۸	۳/۷۰	۴/۸۱	۴۷/۵۲	
هشترود	۴/۲۲	۱۴/۰۳	۱/۲۶	۱۵/۰۱	۱۶۵	۷۰/۳۲	۷۶/۴۹	۲	۱۹	۱۱۰	۶	۳۶/۷۲	۳/۷۴	۹/۹۹	۳۴/۸۰	

ادامه جدول ماتریس $n*m$

X31	X30	X29	X28	X27	X26	X25	X24	X23	X22	X21	X20	X19	X18	X17	X16	
۱۸	۳۱۹۰	۴۴	۲۴۶/۳۳	۴۱/۶۴	۹/۵۸	۹۳/۴۶	۶	۳۱	۲۲	۹۶	۱۳	۱	۵۸/۲۸	۱۱۰/۳۱	۱۱۸/۰۶	آذرشهر
۳	۷۵۵۵	۳۶	۲۸۱	۴۱/۹۴	۱۰/۵۵	۹۳/۱۸	۵	۳۰	۲۳	۱۰۰	۱۲	۱	۷۹/۶۱	۱۵۰/۶۴	۲۰۸/۵۹	اسکو
۰	۳۳۸۳۹	۶۰	۱۲۴۲/۴۵	۴۳/۳۶	۱۸/۴۴	۹۰/۷۰	۱۰	۲۸	۱۵	۱۲۸	۱۷	۱	۴۰/۷۱	۱۰۹/۱۶	۱۱۷/۸۱	اهر
۸	۳۱۸۹۲	۵۳	۹۰۱/۸۱	۴۴/۳۳	۱۴/۰۵	۹۵/۲۳	۴	۲۴	۳۶	۷۵	۷	۱	۳۸/۰۵	۹۲/۵۳	۱۰۳/۹۲	پستان‌آباد
۷	۵۵۵۷	۳۷	۱۸۳/۸۲	۴۰/۹۱	۹	۹۳/۴۱	۶	۴۶	۲۹	۲۱۴	۱۵	۱	۵۳/۲۷	۱۰۴/۷۰	۱۱۴/۲۹	بناب
۸۵	۱۴۷۶۸	۲۰۱	۵۶۹/۴۰	۳۷/۱۱	۷/۳۱	۸۷/۲۷	۱۵۰	۵۶۶	۱۸۴	۵۹۶۶	۳۵۰	۲۷	۶۸/۷۶	۱۲۷/۵۴	۱۱۳/۳۱	تبریز
۰	۵۹۸	۳۷	۵۵۹/۵۱	۴۱/۰۴	۹/۰۵	۸۸/۹۸	۸	۱۵	۱۷	۶۴	۸	۱	۶۷/۱۱	۱۴۶/۶۷	۱۴۳/۶۴	جلفا
۰	۷۳۳۵۲	۲۵	۹۱۱	۴۱/۷۳	۶/۳۴	۹۱/۲۲	۲	۴	۱۵	۳۲	۲	۱	۳۵/۲۱	۸۴/۹۹	۱۰۰/۵۸	چاراویماق
۰	۴۸۳۹	۰	۷۱۴/۲۰	۴۰/۶۸	۱۰/۵۸	۹۵/۷۴	۳	۰	۱۰	۰	۱	۰	۳۵/۴۸	۱۳۰/۲۰	۱۱۵/۴۳	خداآفرین
۰	۲۵۷۱۹	۷۸	۸۱۴/۵۹	۴۶/۱۲	۱۱/۷۴	۹۴/۵۱	۹	۴۲	۲۱	۱۳۵	۱۳	۱	۴۴/۹۵	۱۱۰/۱۲	۱۱۴/۰۵	مراب
۱۰	۴۶۰۷	۶۶	۵۱۴/۲۴	۳۹/۳۴	۸/۱۷	۹۵/۲۸	۱۰	۲۱	۱۲	۱۲۱	۱۶	۲	۵۹/۷۵	۱۲۹/۳۶	۱۴۱/۹۹	شهبستر
۰	۲۸۷۸	۴۲	۲۱۶/۵۳	۴۶/۷۸	۱۳/۳۱	۹۴/۵۶	۴	۲۰	۱۴	۵۰	۶	۱	۴۵/۶۷	۱۱۶/۳۲	۱۱۶/۶۲	عجب‌شیر
۰	۱۹۶۶۳	۷۴	۹۹۳/۱۹	۳۸/۸۴	۱۲/۹۷	۹۵/۱۴	۳	۲۱	۱۵	۹۶	۴	۱	۳۵/۳۲	۱۲۷/۶۵	۱۲۵/۳۵	کلپیر
۳	۳۵۳۰۳	۸۷	۶۴۹/۷۵	۳۸/۷۶	۸/۱۰	۹۰/۵۵	۱۴	۸۳	۶۲	۳۶۷	۲۸	۲	۵۰/۵۶	۱۱۰/۱۲	۱۰۹/۵۶	مراغه
۷	۱۱۰۰۲	۹۳	۸۲۷/۲۰	۴۱/۶۱	۱۱/۵۸	۹۰/۴۶	۱۱	۹۰	۴۷	۲۵۶	۲۴	۲	۵۱/۱۴	۹/۵۴	۶۲/۲۴	مرند
۰	۹۰۰۷	۶۶	۳۴۵/۶۴	۴۲/۱۵	۹/۷۹	۹۴/۳۵	۵	۱۲	۲۲	۶۴	۷	۱	۴۴/۴۱	۵/۶۵	۲۹/۶۷	ملکان
۳	۷۴۵۹۵	۹۹	۱۸۶۳/۸۶	۳۹/۵۹	۶/۲۶	۸۶/۵۲	۱۱	۵۵	۴۳	۲۴۶	۲۱	۲	۵۴/۲۲	۱۳/۴۸	۵۷/۴۵	میانه
۰	۱۳۴۵۹	۶۰	۸۵۰/۲۰	۴۳/۰۸	۱۳/۹۰	۹۱/۶۵	۲	۲	۲۱	۳۲	۳	۱	۲۸/۵۲	۸/۳۵	۱۴/۷۹	ورزقان
۰	۱۹۹۲۰	۳۸	۶۳۱/۵۵	۵۳/۶۶	۳۵/۶۰	۹۵/۱۹	۶	۱۳	۳۰	۶۴	۶	۱	۳۷/۳۳	۴/۸۱	۴۷/۵۲	هریس
۰	۹۱۵۹۷	۵۶	۸۵۷/۴۱	۳۹/۱۳	۵/۴۱	۹۰/۰۱	۳	۲۰	۲۲	۹۶	۵	۱	۴۰/۸۸	۹/۹۹	۳۴/۸۰	هشترود

با استفاده از آزمون تحلیل خوشه‌ای فاصله اقلیدسی مناطق مورد بررسی مشخص شدند که در جدول شماره ۳ این فواصل به شکل ماتریسی مشخص شده است. این ماتریس که قطر آن برابر با صفر می‌باشد، فاصله هر نقطه یا منطقه را از نقطه یا منطقه بعدی نشان می‌دهد. این فواصل بر مبنای فاصله اقلیدسی بین سطح توسعه مناطق محاسبه شده است. هر چه مقدار فاصله بین دو منطقه کمتر باشد نشان می‌دهد که این دو منطقه از نظر سطح توسعه یافتگی شباهت بیشتری به همدیگر دارند و هر چه فاصله بیشتر باشد حاکی از شکاف توسعه بین دو منطقه است.

جدول شماره (۲): محاسبه فاصله مناطق از یکدیگر

کوتاه‌ترین فاصله	:۲۰	:۱۹	:۱۸	:۱۷	:۱۶	:۱۵	:۱۴	:۱۳	:۱۲	:۱۱	:۱۰	:۹	:۸	:۷	:۶	:۵	بستان-	:۴	:۳	:۲	:۱
فاصله	هشترود	هریس	ورزقان	میانه	ملکان	مرند	مراغه	کلپیر	عجب‌شیر	شبه‌ستر	سراب	خداآفرین	چاراویماق	جلفا	تبریز	بناب	آباد	اسکو	آذرشهر	آذرشهر	اسکو
۲/۰۷	۶/۳۶	۷/۲۸	۶/۸۷	۶/۹۶	۴/۴۳	۵/۵۳	۴/۶۷	۶/۸۱	۴/۰۱	۲/۷۹	۴/۱۴	۸/۵۳	۹/۳۲	۴/۰۲	۱۵/۲۱	۲/۰۷	۵/۷۰	۵/۸۷	۵/۴۱	۰	۱: آذرشهر
۴/۸۸	۹/۰۲	۹/۶۶	۹/۳۳	۸/۴۹	۶/۶۷	۸/۰۱	۷/۲۵	۹/۲۸	۶/۷۸	۴/۸۸	۷/۱۲	۱۰/۵	۱۱/۷۲	۵/۰۵	۱۶	۶/۰۱	۸/۷۶	۸/۴۹	۰	۵/۴۱	۲: اسکو
۳/۴۶	۴/۳۷	۵/۴۵	۴/۰۱	۴/۸۱	۴/۷۰	۵/۵۹	۴/۸۳	۴/۴۹	۴/۸۷	۶/۰۱	۳/۶۶	۶/۸۲	۶/۳۲	۶/۳۵	۱۵/۷	۵/۲۳	۴/۲۳	۰	۸/۴۹	۵/۸۷	۳: اهر
۲/۸۳	۴/۶	۵/۲۴	۴/۲۶	۷/۰۸	۲/۸۳	۵/۸۸	۵/۱۴	۴/۸۴	۳/۸۰	۵/۹۰	۲/۸۵	۶/۳۴	۵/۶۸	۷/۶۵	۱۶/۵۳	۵/۰۷	۰	۴/۲۳	۸/۷۶	۵/۷۰	۴: بستان‌آباد
۲/۰۷	۵/۷	۶/۶۶	۶/۱۲	۶/۷۶	۳/۳۴	۵/۳۶	۴/۰۸	۶/۳۱	۳/۱۴	۳/۶۹	۳/۵۷	۷/۷۸	۸/۳۹	۴/۷۰	۱۵/۵	۰	۵/۰۷	۵/۲۵	۶/۰۱	۲/۰۷	۵: بناب
۱۴/۰۱	۱۶/۴۷	۱۸	۱۷/۴	۱۴/۸	۱۶/۳	۱۴/۱۱	۱۴	۱۷/۲۹	۱۶/۷	۱۵/۱	۱۵/۵۵	۱۹/۲	۱۸/۷۸	۱۵/۵	۰	۱۵/۵	۱۶/۵۳	۱۵/۷	۱۶	۱۵/۲۱	۶: تبریز
۴/۰۲	۷/۱	۸/۷۲	۷/۲۲	۶/۱۹	۶/۳۶	۵/۵۱	۵/۴۷	۷/۳۷	۵/۶۹	۴/۳۷	۵/۸۱	۸/۹۳	۹/۹۷	۰	۱۵/۵	۴/۷۰	۷/۶۵	۶/۳۵	۵/۰۵	۴/۰۲	۷: جلفا
۴/۵۱	۵/۵۱	۷/۹۶	۵/۱۷	۷/۹۷	۶/۳۵	۹/۳۷	۸/۱۷	۶/۳۴	۷/۳۱	۹/۵۳	۶/۷۷	۵/۷۳	۰	۹/۹۷	۱۸/۷۸	۸/۳۹	۵/۶۸	۶/۳۲	۱۱/۷۲	۹/۳۲	۸: چاراویماق
۳/۹۹	۷/۰۴	۷/۳۷	۴/۱۱	۹/۲۹	۶/۲۳	۹/۳۰	۸/۸۵	۳/۹۹	۶/۴۴	۷/۸۵	۶/۵۱	۰	۵/۷۳	۸/۹۳	۱۹/۲	۷/۷۸	۶/۳۴	۶/۸۲	۱۰/۵	۸/۵۳	۹: خداآفرین
۲/۷۲	۴/۴۶	۵/۵۱	۴/۲۸	۵/۷۹	۲/۲۷	۴/۵۷	۳/۵۸	۴/۴۳	۲/۹۲	۳/۹۷	۰	۶/۵۱	۶/۷۷	۵/۸۱	۱۵/۵۵	۳/۵۷	۲/۸۵	۳/۴۶	۷/۱۲	۴/۱۴	۱۰: سراب
۲/۷۹	۶/۷۲	۷/۸۴	۶/۵۳	۶/۹۵	۴/۸۳	۵/۳۷	۵/۰۸	۵/۵۸	۴/۶۶	۰	۳/۹۷	۷/۸۵	۹/۵۳	۴/۳۷	۱۵/۱	۳/۶۹	۵/۹۰	۶/۰۱	۴/۸۸	۲/۷۹	۱۱: شبه‌ستر
۲/۴۱	۵/۶۵	۴/۸۴	۴/۷۴	۷/۵	۲/۴۱	۵/۷۳	۵	۵/۴۲	۰	۴/۶۶	۲/۹۲	۶/۴۴	۷/۳۱	۵/۶۹	۱۶/۷	۳/۱۴	۳/۸۰	۴/۸۷	۶/۷۸	۴/۰۱	۱۲: عجب‌شیر
۲/۹۴	۵/۶۶	۶/۶۳	۲/۹۴	۷/۲۴	۴/۹۷	۶/۹۷	۶/۷۱	۰	۵/۴۲	۵/۵۸	۴/۴۳	۳/۹۹	۶/۳۴	۷/۳۷	۱۷/۲۹	۶/۳۱	۴/۸۴	۴/۴۹	۹/۲۸	۶/۸۱	۱۳: کلپیر
۳/۲۲	۵/۰۳	۷/۸۹	۶/۲۵	۵/۰۹	۴/۱۴	۳/۲۲	۰	۶/۷۱	۵	۵/۰۸	۳/۵۸	۸/۸۵	۸/۱۷	۵/۴۷	۱۴	۴/۰۸	۵/۱۴	۴/۷۳	۷/۲۵	۴/۶۷	۱۴: مراغه
۳/۲۲	۶/۷۱	۸/۰۹	۶/۵	۶/۱۵	۵/۱۳	۰	۳/۲۲	۶/۹۷	۵/۷۳	۵/۳۷	۴/۵۷	۹/۳۰	۹/۳۷	۵/۵۱	۱۴/۱۱	۵/۳۶	۵/۸۸	۵/۵۹	۸/۰۱	۵/۵۳	۱۵: مرند
۲/۲۷	۴/۷	۵/۷۴	۴/۲۲	۶/۹۸	۰	۵/۱۳	۴/۱۴	۴/۹۷	۲/۴۱	۴/۸۳	۲/۲۷	۶/۲۳	۶/۳۵	۶/۳۶	۱۶/۳	۳/۳۴	۲/۸۳	۴/۷۰	۶/۶۷	۴/۴۳	۱۶: ملکان
۴/۷۳	۴/۷۳	۹/۱۱	۶/۶۹	۰	۶/۹۸	۶/۱۵	۵/۰۹	۷/۲۴	۷/۵	۶/۹۵	۵/۷۹	۹/۲۹	۷/۹۷	۶/۱۹	۱۴/۸	۶/۷۶	۷/۰۸	۴/۸۱	۸/۴۹	۶/۹۶	۱۷: میانه
۲/۹۴	۴/۸۴	۵/۷۴	۰	۶/۶۹	۴/۲۲	۶/۵	۶/۲۵	۲/۹۴	۴/۷۴	۶/۵۳	۴/۲۸	۴/۱۱	۵/۱۷	۷/۲۲	۱۷/۴	۶/۱۲	۴/۲۶	۴/۰۱	۹/۳۳	۶/۸۷	۱۸: ورزقان
۲/۸۴	۷/۵۹	۰	۵/۷۴	۹/۱۱	۵/۷۴	۸/۰۹	۷/۸۹	۶/۶۳	۴/۸۴	۷/۸۴	۵/۵۱	۷/۳۷	۷/۹۶	۸/۷۲	۱۸	۶/۶۶	۵/۲۴	۵/۴۵	۹/۶۶	۷/۲۸	۱۹: هریس
۴/۳۷	۰	۷/۵۹	۴/۸۴	۴/۷۳	۴/۷	۶/۷۱	۵/۰۳	۵/۶۶	۵/۶۵	۶/۷۲	۴/۴۶	۷/۰۴	۵/۵۱	۷/۱	۱۶/۴۷	۵/۷	۴/۶	۴/۳۷	۹/۰۲	۶/۳۶	۲۰: هشترود

$$C = ۳/۷۹۶$$

$$SD = ۲/۵۶۴$$

$$C^+ = ۸/۹۲۸$$

$$C^- = -۱/۳۳۲$$

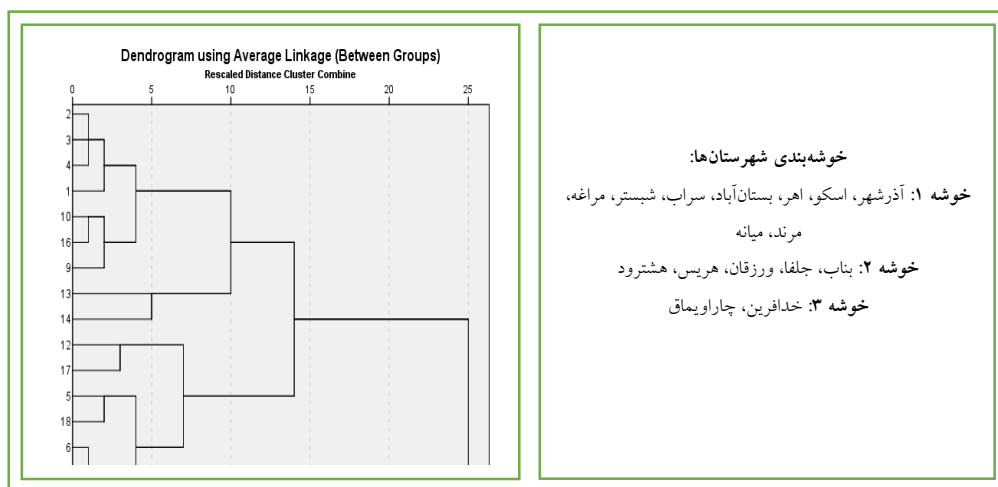
نتایج تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد به غیر از تبریز که در خوشه دوم و شهرهای خدافین و چاراویماق که در خوشه سوم قرار دارند دیگر شهرستان‌های استان در خوشه دوم از نظر توسعه‌یافتگی قرار دارند. بر اساس معیارهای توسعه‌یافتگی می‌توان گفت به غیر از تبریز که جزو شهرهای کمتر توسعه‌یافته محسوب می‌شوند بقیه شهرها را باید در زمره شهرهای توسعه‌نیافته قلمداد نمود.

جدول شماره (۳): فاصله مرکب هر شهر از مقدار ایده‌آل و میزان و رتبه توسعه‌یافتگی شهرها

نام شهرستان	C_{io}	رتبه توسعه‌یافتگی (F_i)	رتبه توسعه‌یافتگی	رتبه توسعه‌یافتگی	رتبه توسعه‌یافتگی
		درجه توسعه‌یافتگی	بعد از حذف تبریز	درجه توسعه‌یافتگی	بعد از حذف تبریز
آذرشهر	۱۸/۳۷	۱۰	۰/۷۶۳۱۵۷	۹	
اسکو	۱۷/۹۷	۹	۰/۷۴۸۰۳۲	۷	
اهر	۱۷/۸۱	۵	۰/۷۴۸۰۹۷	۸	
بستان آباد	۱۷/۸۶	۷	۰/۷۳۹۰۳۲	۶	
بناب	۱۸/۸۵	۱۵	۰/۷۹۴۶۷۵	۱۰	
تبریز	۱۱/۶۸	۱	-	-	
جلفا	۱۸/۶۲	۱۲	۰/۸۲۲۴۵۸	۱۳	
چاراویماق	۲۰/۳۲	۱۹	۰/۹۶۳۰۱۱	۱۸	
خدا آفرین	۲۱/۰۵	۲۰	۱/۰۴۵۵۴	۱۹	
سراب	۱۷/۶۲	۴	۰/۷۰۹۸۴۵	۳	
شبه‌سار	۱۷/۸۸	۸	۰/۷۲۱۳۵۱	۵	
عجب شیر	۱۸/۷۲	۱۴	۰/۸۳۰۱۴۶	۱۴	
کلبر	۱۹/۲۶	۱۷	۰/۸۷۴۷۵۳	۱۶	
مراغه	۱۷/۱۹	۳	۰/۶۶۶۱۸۸	۲	
مرند	۱۶/۷۷	۲	۰/۶۲۳۱۰۱	۱	
ملکان	۱۸/۷۰	۱۳	۰/۸۱۹۶۱۹	۱۲	
میانه	۱۷/۸۲	۶	۰/۷۱۷۷۴۶	۴	
ورزقان	۱۹/۳۷	۱۸	۰/۸۹۵۱۷	۱۷	
هریس	۱۸/۴۷	۱۱	۰/۸۰۴۰۵	۱۱	
هشترود	۱۹/۰۳	۱۶	۰/۸۴۸۶۸۳	۱۵	
میانگین: ۱۸/۱۷					
انحراف معیار: ۱/۸۲					
CO: ۲۱/۸۲					

بعد از حذف تبریز به عنوان شهرستان ناهمگن مجدداً فرایند تاکسونومی عددی برای استان‌های باقی‌مانده انجام شد. همان‌طور که در دو ستون آخر جدول شماره (۳) نشان داده شده است تغییر چندان

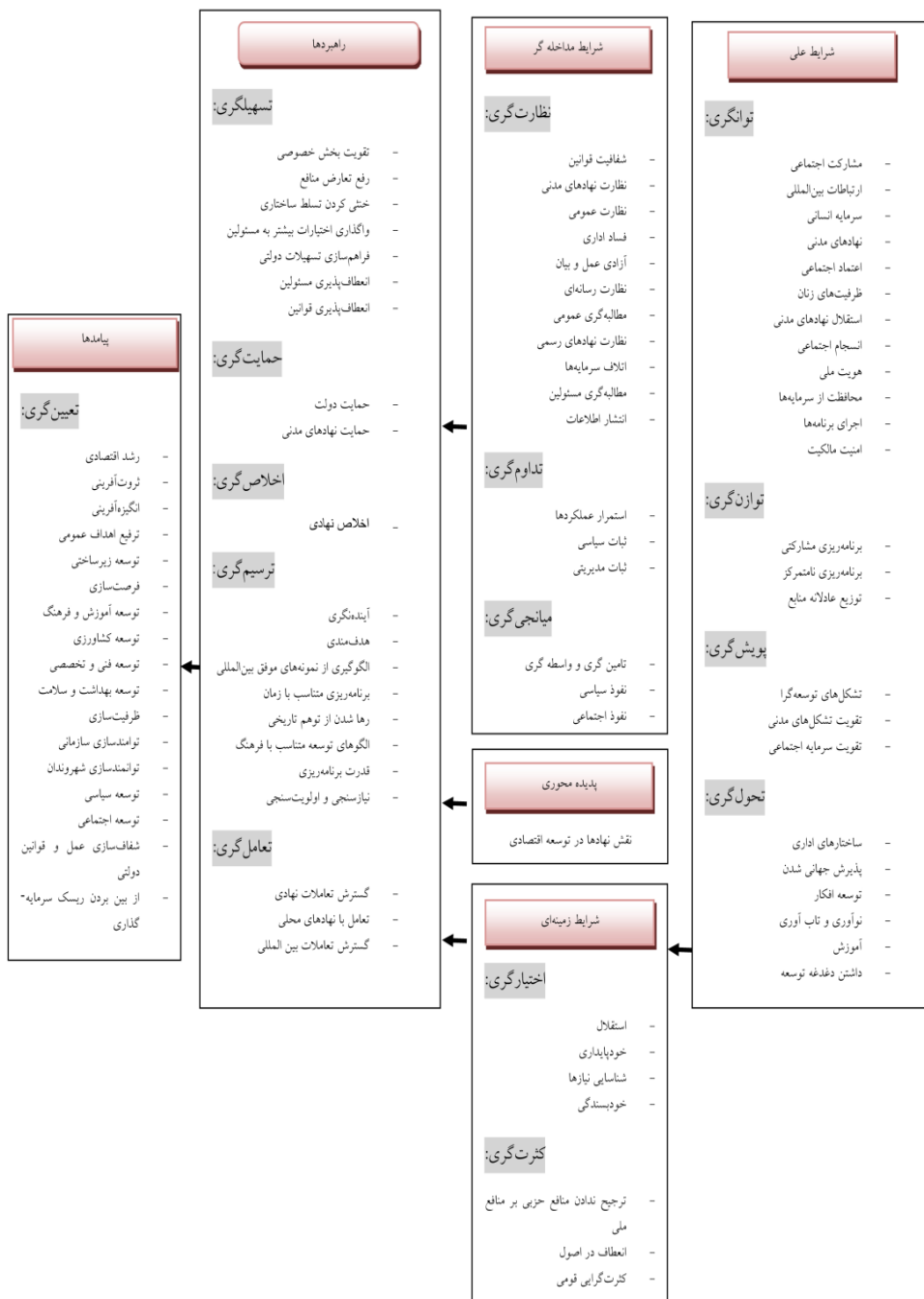
محسوسی در رتبه شهرستان‌ها مشاهده نمی‌شود. البته شهرستان شبستر با ۳ رتبه تنزل از رتبه ۸ به رتبه ۵ و شهرستان اسکو با ۲ رتبه تنزل از رتبه ۹ به ۷ رسیده است در مقابل شهرستان اهر با ۳ رتبه ارتقا از رتبه ۵ به ۸ رسیده است. بعد از حذف تبریز هم‌چنین تغییرات در خوشه‌بندی شهرستان‌ها به وجود آمد که نتیجه آن در شکل شماره (۱) مشخص شده است.



شکل شماره (۱): خوشه‌بندی شهرستان‌های استان بعد از حذف تبریز

– مدل پارادایمی توسعه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی

برای ترسیم مدل پارادایمی توسعه شهرستان‌های استان با استفاده از مفاهیم و زیرمقولاتی که در کدگذاری باز حاصل شده بود مقولات گسترده برچسب‌گذاری شد. ملاک اصلی در کدگذاری مقولات گسترده این بود که بتوان در نهایت آن‌ها را در مدل پارادایمی کدگذاری محوری دسته‌بندی نمود. نتایج این کدگذاری در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل شماره (۲): مدل پارادیمی توسعه استان آذربایجان شرقی

پژوهش حاضر بررسی توسعه شهرهای مختلف استان از دیدگاه نهادی بود که برای این منظور سعی شد با استفاده از دانش و تجربه بومی تعدادی از کارشناسان و متخصصین استانی که اطلاعات لازم را در مورد توسعه و پراکندگی آن در استان داشتند با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده بنیاد ابتدا مدل پارادایمی موانع نهادی موثر بر توسعه استان استخراج شود و نتیجه این تحلیل قالب‌بندی ۱۵ متغیر محوری بود در یک مدل پارادایمی ۵ عاملی متشکل از پدیده محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها بود. نتایج این تحلیل نشان داد توانگری نهادها در حوزه‌های مختلف، توازن‌گری در توزیع امکانات، پوشش‌گرایی در استفاده از پتانسیل‌های مختلف اجتماعی و نهادهای مدنی و تحول‌گری در ساختارهای مختلف اداری، فکری و آموزشی از جمله فقدان این متغیرها در استان به عنوان موانع نهادی موثر بر توسعه اقتصادی استان محسوب می‌شود. برای این که موانع نهادی بتوانند نقش خود را به درستی در امر توسعه ایفا کنند باید زمینه‌های لازم برای کنش آن‌ها فراهم شود که از دو عامل اختیارگری به معنای قدرت عاملیت و تصمیم‌گیری و کثرت‌گری به معنای توجه به تنوعات و تفکرات مختلف به عنوان عوامل زمینه ساز توسعه اقتصادی در سایه عوامل نهادی نام برده شده است. از آن جایی که هر جریان رشدی ممکن است با تغییرات و تحولات مختلفی در مسیر حرکت خود مواجه شود لذا مدل پارادایمی توسعه نهادی باید عوامل مداخله‌گر را نیز شناسایی کند که در پژوهش حاضر نظارت‌گری به معنای کنترل نهادهای مختلف رسمی و غیر رسمی بر امر توسعه، تداوم‌گری به معنای داشتن استمرار و ثبات در مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها و میانجیگری به معنای قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی کنشگران توسعه برای تامین ابزارها و امکانات توسعه از جمله این عوامل مداخله‌گر عنوان شده‌اند.

در مدل مذکور راهبردهای تسهیلگری به معنای تسهیل در دستیابی به عناصر و مقتضیات توسعه، حمایت‌گری به عنوان حمایت‌های دولتی و مدنی، اخلاص‌گری به معنای کنش‌های خالصانه، ترسیم‌گری به معنای داشتن برنامه، آینده‌نگری و حرکت هدفمند و تعامل‌گری به معنای گسترش تعاملات با نهادهای پیرامونی به عنوان راهبردهای موثر تاثیرگذاری نهادها بر امر توسعه قلمداد شده‌اند.

در نهایت عامل تعیین‌گری به معنای تاثیرگذاری عوامل نهادی بر حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به عنوان پیامدهای عوامل نهادی بر توسعه قلمداد شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر هدف اصلی بررسی وضعیت میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مختلف استان آذربایجان شرقی و ارزیابی میزان نابرابری در مناطق مختلف استان بود. به همین منظور ۳۱ شاخص در قالب سه دسته شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، بهداشت- سلامت، اقتصادی و زیربنایی با استفاده از

روش تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج پژوهش حاضر را می‌توان به شکل زیر جمع‌بندی نمود:

- اگرچه شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر با شاخص‌های به کار رفته در پژوهش‌های مشابه دیگر یکسان نبوده و از این جهت امکان مقایسه کامل وجود ندارد اما به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در پژوهش حاضر نیز همانند دیگر پژوهش‌های مرتبط میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های غربی نسبت به شهرستان‌های شرقی در استان آذربایجان شرقی بیشتر بوده است.

- همانند سایر پژوهش‌های مرتبط شهرستان‌های چاراویماق، خداآفرین و کلیبر جزء محروم‌ترین شهرستان‌های استان محسوب می‌شوند که این موضوع را شاید بتوان در موقعیت جغرافیایی این مناطق و قرارگیری آن‌ها در نقاط مرزی و فاصله نسبتاً زیاد آن‌ها از مرکز استان دانست که هم امکان و آمیزه سرمایه‌گذاری را در بخش صنعت سلب می‌کند و هم امکان خدمات رسانی مناسب را به این شهرها محدودتر می‌سازد.

- قرارگیری ۱۷ شهرستان از ۲۰ شهرستان مورد بررسی در داخل یک خوشه از منظر توسعه‌یافتگی از یک طرف و قرار گرفتن تقریباً تمامی شهرستان‌های استان (به غیر از تبریز) در ردیف شهرهای کمتر توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در این استان علی‌رغم برابری نسبی در توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، اما این برابری ظاهراً به بهای توسعه‌نیافتگی کسب شده است. این مسأله نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی‌های توسعه بیش از آن که به ایجاد برابری از طریق رشد و توسعه موزون توجه شود به ایجاد برابری به بهای توقف توسعه برخی از مناطق اهتمام گردیده است.

- شهرهایی که رتبه بالاتری از نظر توسعه‌یافتگی دارند در مسیر آزاد راه‌ها و شبکه‌های ریلی قرار دارند و شهرهای محروم‌تر دسترسی محدودتری نسبت به این شبکه‌های ارتباطی دارند. این موضوع نشان می‌دهد که به لحاظ فضایی گسیختگی زیادی در استان مشاهده می‌شود و توجه چندان زیادی به برخی از مناطق استان به ویژه در مناطق شرقی صورت نگرفته است.

- رتبه‌های توسعه‌یافتگی در بخش‌های مرکزی استان نسبت به بخش‌های حاشیه‌ای بهتر است. حتی بخش‌های مرکزی استان که درجه توسعه‌یافتگی چندان مناسبی ندارند نیز بیشتر در مناطق شرقی استان قرار دارند.

- ارتباط معنی‌داری بین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها و فاصله آن‌ها از مرکز استان وجود دارد و اغلب شهرستان‌های محروم فاصله زیادی با مرکز استان دارند. غالب شهرستان‌های محروم را می‌توان جزء شهرهای مهاجر فرست دانست و جریان مهاجرت آن‌ها اغلب به سمت کلانشهرهایی مثل تبریز و تهران بوده است که این مسأله بیانگر خلاء در ظرفیت‌های اشتغال و رفاه در شهرستان‌های محروم استان می‌باشد.

با توجه به مدل پارادیمی توسعه استان می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیستم اقتصادی را می‌توان شامل مجموعه‌ای از نهادهایی دانست که مبادلاتی در بین آن‌ها و در درون آن‌ها اتفاق می‌افتد. توسعه اقتصادی برای تسهیل تقسیم پیچیده کار و تخصصی کردن فعالیت‌های اقتصادی، به تبادلات چندجانبه نیاز دارد، جایی که سود حاصل از تبادل اقتصادی دارایی‌ها (شامل دارایی‌ها، کالاها، خدمات و دانش) رشد پایدار اقتصادی را به همراه دارد.

مبادلات اقتصادی توسط ساختارهای حاکمیتی نظیر بازارها، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی متوسط سازمان می‌یابد. اقتصاد نهادگرا ساختار حاکمیتی را در درون نظامی بزرگ‌تر به نام نظام نهادی قرار می‌دهد که می‌تواند کنش‌ها و تصمیمات حاکمیتی را تسهیل کند یا موانعی در مقابل آن ایجاد کند. هر دو سطح یعنی سطح حاکمیتی و سطح نهادی با هدف محافظت از مبادلات اقتصادی وارد عمل می‌شوند. امروزه پیش‌بینی شده است که همانند دیگر قواعد بازی هنجارهای اجتماعی هم می‌توانند در توسعه اقتصادی و سیاسی نقش داشته و زمینه رفاه فردی و اجتماعی را ایجاد کنند. در واقع شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهند هنجارهای اجتماعی که مشارکت و اعتماد را تشویق می‌کنند می‌توانند اثر مهمی بر رفع موانع کنش‌های جمعی و توسعه اقتصادی داشته باشند. این شواهد اغلب از دستگاه‌های مختلفی نظیر نظریه‌های نهادگرایی جدید و سرمایه اجتماعی نشأت می‌گیرند.

سرمایه اجتماعی با رویکرد ارتباطی به معنای وجود نهادهای محلی از قبیل باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های شهروندی است که تراکم و فراوانی چنین تشکلهایی فی‌نفسه به عنوان یک عامل مثبت در رفاه و آسایش جوامع محلی دانسته شده است. از این منظر فقر یعنی «از دست دادن یکدیگر».

در دیدگاه‌های نوین توسعه هم‌افزایی دولت و جامعه یکی از ارکان توسعه دانسته شده است. وجود هنجارهای همکاری و شبکه‌های تعامل مدنی میان شهروندان می‌تواند توسط آژانس‌های عمومی ایجاد شود و زمینه توسعه را به وجود بیاورد. تقویت متقابل روابط بین دولت‌ها و گروه‌هایی از شهروندان درگیر می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. همکاری بین نهادهای دولتی و اجتماعی نه فقط در تولید کالاها و خدمات بلکه در تولید سرمایه اجتماعی نیز موثر است. دولت‌ها بسترهای قانونی موثری را برای تاثیرگذاری سازمان‌ها و نهادهای محلی ایجاد می‌کنند.

پیشنهادها

با توجه با یافته‌های پژوهش حاضر موارد زیر جهت رفع محرومیت و ایجاد برابری بین مناطق غربی و شرقی استان پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای بر اساس آمایش سرزمین و توجه به ظرفیت‌ها و خلاهای منطقه‌ای.

- گسترش و توسعه مسیرهای حمل و نقل ریلی و جاده‌ای و ایجاد زمینه لازم جهت ارتباط سهل و سریع‌تر مناطق غیر مرکزی به مرکز استان.
- ترغیب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی جهت ایجاد زیرساخت‌های توسعه در مناطق محروم استان.
- پایش و ارزیابی جریان مهاجرت و بررسی علل مهاجرت بالخصوص از مناطق شرقی استان و پیشنهاد راهکارهای مناسب.
- به کارگیری سیاست‌های اشتغال‌زایی در نواحی محروم.
- تلاش در جهت تخصیص مجدد سرمایه، به طوری که توان‌مندی‌های محیطی و نقطه نظرات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی غالب آید.
- ارائه مکانیسم فرصت برابر برای تمامی نواحی مطابق با توان‌مندی‌های محیطی و نیازهای جمعیتی.
- تلاش در جهت توسعه فرهنگی نواحی، چرا که شرط رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه فرهنگی و آگاهی جمعی در راستای برنامه‌های محلی و ملی می‌باشد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسنده مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Ahmadi, H., Velayi Gari, A., Zali, N., & Zamanipour, M. (2017). Analysis of the gap between the cities of East Azarbaijan during the development path from 1996 to 2011, *Geographic Space Journal*, 17th period, 59, P.p:229- 253. [Persian]
2. Asadzadeh, A., Imani, H., & Shali, M. (2014). Spatial Inequalities of Agricultural Development in East Azarbaijan Province, *space economics and rural development quarterly*, 2, P.p: 41-54. [Persian]
3. Creswell, J., W. (2013). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing among Five Approaches*. Los Angeles, CA: Sage.
4. East Azerbaijan Governorate. (2015). *Development document of East Azerbaijan province. First Volume*. [Persian]
5. Keefer, P., & Shirley, M., M. (2000). *Formal versus informal institutions in economic development*. Chapters.
6. Momeni, M., & Sajed, A. (2014). Analysis of the development of East Azerbaijan city cities using numerical taxonomy. The Twelfth Congress of the Geographical Society of Iran, centered around the alignment of the land, an Iranian Islamic model of progress. Tehran. [Persian]
7. Nazmfar, H., Bakhtar, S., Alavi, S. (2015). Rating the rural development levels. (Case study: Kermanshah villages). *Geography and Environmental Studies*, 192, 14-181. [Persian]
8. Rezvani, M. R. (2004). *Measurement and Analysis of Developmental Levels of Rural Areas in Sanandaj City*. *Journal of Geography and Regional Development*, 3. Mashhad: Mashhad University press. [Persian]
9. Rodrik, D. (2000). Institutions for high-quality growth: what they are and how to acquire them, *Studies in comparative international development*. Vol. 35, No. 3, P.p: 3-31.
10. Roll, R., & Talbott, J. (2003). Political freedom, economic liberty, and prosperity. *Journal of Democracy*. Vol. 14, No. 3, P.p: 75-89.
11. Shamsedini, A., Etaat, J., & Shahrivar, H. (2013). Role of Political Participation of Villagers in Increasing Services to Mamsani Villages. *Space economics and rural development Quarterly*, 2th Period, 5, P.p: 87- 100. [Persian]
12. Soror, R., Rashidi, Ebrahim Hesari, A. (2012). Measuring the Development Rate of Socio-Economic Structures in East Azarbaijan Province. *Geography Quarterly*, 82, P.p: 35-75. [Persian]
13. Todaro, Michael. (1990). *Economic Development in the Third World*. Translated by: Gholamali, Farjadi. Tehran: Publication of the Higher Institute for Research on Planning and Development.